بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
نام آشنای علم و ادب و فرهنگ
۱۳۲۸

جنگ‌های ترکیبی آمریکا

حسین مرتضی
ترجمهٔ کریم شنی

سرشناسه:	مرتضی، حسین، ۱۹۷۲- م.،
عنوان قراردادی:	الحروب الامیرکیه المرکبه .فارسی
عنوان و نام پدیدآور:	جنگ‌های ترکیبی آمریکا/ مؤلف حسین مرتضی؛ مترجم کریم شنی.
مشخصات نشر:	تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۴.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۲۴۸۸-۱
وضعیت فهرست نویسی:	فیپا
موضوع:	ایالات متحده -- روابط خارجی
	United States -- Foreign relations
موضوع:	جنگ ترکیبی -- ایالات متحده
	Hybrid warfare -- United States
موضوع:	ایالات متحده -- سیاست نظامی
	United States -- Military policy
شناسه افزوده:	شنی، کریم، ۱۳۴۸-، مترجم
رده بندی کنگره:	E۱۸۳/۸
رده بندی دیویی:	۳۲۷/۷۳
شماره کتابشناسی ملی:	۱۰۰۲۶۱۷۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیپا

نام کتاب:	جنگ‌های ترکیبی آمریکا
نویسنده:	حسین مرتضی
مترجم:	کریم شنی
مدیریت هنری:	آژانس خانه ایده | محمدحسین مؤیدی
نوبت چاپ:	اول | ۱۴۰۴
شمارگان:	۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی:	فیض
دفتر مرکزی:	تهران | خیابان جمهوری اسلامی | تقاطع خیابان سعدی | پلاک ۲
شماره تماس:	۰۲۱-۳۳۹۰۰۷۵۱-۲ | ۶۱۲۸
کدپستی:	۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸
نشانی اینترنتی:	amirkabirpub.ir
	@amirkabirpubco

فهرست

مقدمهٔ مترجم ۹
سخن ناشر عرب ۱۵
مقدمهٔ نویسنده ۱۷
فصل اول: جنگ و تحریم‌های اقتصادی آمریکا اصلی‌ترین سلاح... ۲۱

شرکت‌های فراقاره‌ای آمریکایی، /۲۲/ حربهٔ آمریکا برای تحریم‌های اقتصادی /۲۲/ شرکت بلک‌استون /۲۲/ شرکت اِستِیْت اِستریت /۲۶/ شرکت ونگارد /۲۹/ مظاهر و نقش این سه شرکت در تغییر شکل و کنترل جهان /۳۲/ مجازات و تحریم‌های غرب علیه روسیه؛ نمونه‌ای از عملیات جنگ ترکیبی ائتلاف اروپا و ایالات متحده برای مجازات روسیه /۵۵/ تحریم‌های غرب، به‌مثابه یک «بمب هسته‌ای اقتصادی» علیه روسیه! /۵۷/ عوامل تعیین‌کننده در رویاروی روسیه با تحریم‌ها /۶۱/ تحریم‌های غرب علیه روسیه و BDS اسرائیل /۶۸/ آمریکا و جنگ اقتصادی /۷۴/

فصل دوم: نمونه‌هایی از عملیات میدانی در جنگ ترکیبی ۸۷

جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران /۸۷/ در سطح ساختاری /۸۸/ در سطح عملیاتی /۹۰/ فرماندهی مرکزی ایالات متحده (Centcom) جنگ ترکیبی را مدیریت می‌کند /۹۴/ اگر یکی از این دانش‌آموزان می‌مُرد چه می‌شد؟ /۹۴/ واکنش‌ها سرنخ‌هایی درگیری را آشکار می‌کند /۹۵/ «خراب‌کاری شرافتمندانه»

تحریک آشکار با اطلاعات و اعدام مواجه شد /۹۷/ جنگ بیولوژیک /۹۹/ نکاتی برای درک بهتر الفبای جنگ ترکیبی /۱۰۰/ مهم‌ترین دلایل هدف قرار دادن سیستماتیک کردهای ایران چیست؟ /۱۰۱/ ابزارهای ایالات متحده در جنگ‌های ترکیبی /۱۰۳/ دادوستد و تجارت /۱۰۳/ فرهنگ، هنر، موسیقی و فرهنگ عامه /۱۰۵/ آموزش و علم /۱۰۵/ مکانیزم حکومت‌داری [و سیاست خارجی آمریکا] /۱۰۵/ رسانه [و سیاست خارجی] /۱۰۶/ دادگاه‌ها و حق اعتراضات مسالمت‌آمیز /۱۰۶/ دیپلماسی /۱۰۷/ خلق ایدئال‌ها /۱۰۸/ مشاورهٔ نظامی و امنیتی /۱۰۹/ روابط بین‌الملل /۱۱۰/ طرح مارشال /۱۱۱/ مدل‌های جنگ‌های مصنوعی آمریکا: جنگ نرم، علیه اروپای شرقی و روسیه /۱۱۲/ جنگ نرم علیه سوریه، عراق و افغانستان /۱۱۵/ جنگ نرم علیه ایران /۱۲۲/ جنگ نرم علیه چین /۱۲۳/ نسل جدید انقلاب‌های رنگی به‌عنوان الگویی برای جنگ‌های ترکیبی /۱۲۵/ سربازان دنیای مجازی /۱۲۵/ انواع سرباز در دنیای مجازی /۱۲۵/ گروه‌هایی که شرایط ورود به حباب را دارند /۱۲۶/ نحوهٔ جذب سرباز /۱۲۷/ نقش مدیران دنیای مجازی /۱۲۷/ مدل‌های تفسیر دنیاهای مجازی /۱۲۸/ مرحلهٔ ۱: ساخت گروهی مبارز براساس یک دیدگاه مجازی /۱۲۸/ مرحلهٔ ۲: تأثیر بر جامعه /۱۲۹/ مرحلهٔ ۳: ایجاد حساسیت تدافعی نسبت به رویدادها /۱۳۰/ مرحلهٔ ۴: خلق دیدگاه‌های متفاوت نسبت به ارزش‌ها، نیازها و خطرات /۱۳۲/ مرحلهٔ ۵: ایجاد حس وفاداری به شخصیت‌های مجازی /۱۳۳/ مرحلهٔ ۶: تغییر زندگی اجتماعی و تغییر هویت /۱۳۵/ مرحلهٔ ۷: ادغام دسته‌های محلی با عناصر خارجی /۱۳۸/ فضاهای مجازی، نسل جدید انقلاب‌های رنگی: ایران به‌عنوان یک الگو /۱۳۹/ درمان آسیب‌های دنیاهای مجازی /۱۴۱/ چند پیشنهاد برای ساخت یک راهبرد رسانه‌ای درمانی /۱۴۲/

فصل سوم: تسخیر دولت‌ها طی عملیات جنگ ترکیبی به‌وسیلهٔ... ۱۴۵

ارتباط عادی‌سازی و اهداف جنگ ترکیبی /۱۴۵/ دلایل و انگیزه‌های عادی‌سازی /۱۴۹/ بخش سوم: ایالات متحده و فشار در جهت عادی‌سازی /۱۵۷/ کشورهای عربی عادی‌سازی‌شده و زمینه‌های عادی‌سازی امارات متحدهٔ عربی /۱۵۹/ عادی‌سازی تجاری /۱۶۰/ عادی‌سازی تکنولوژیکی

/۱۶۳/ عادی‌سازی ورزشی /۱۶۵/ عادی‌سازی فرهنگی /۱۶۶/ عادی‌سازی سرمایه‌گذاری /۱۶۹/ عادی‌سازی صنعتی /۱۷۱/ عادی‌سازی گردشگری /۱۷۲/ پادشاهی بحرین /۱۷۳/ عادی‌سازی نظامی و امنیتی /۱۷۵/ عادی‌سازی تجاری /۱۷۶/ عادی‌سازی تکنولوژیک /۱۷۷/ عادی‌سازی صنعتی /۱۷۸/ پادشاهی عربستان سعودی /۱۷۸/ عادی‌سازی دیپلماتیک و توریستی /۱۸۸/ عادی‌سازی سرمایه‌گذاری /۱۸۸/ عادی‌سازی تکنولوژیکی /۱۸۹/ عادی‌سازی تجاری /۱۹۰/ عادی‌سازی فرهنگی /۱۹۲/ عادی‌سازی امنیتی و اطلاعاتی /۱۹۳/ قطر /۱۹۳/ کویت /۱۹۸/ سلطان‌نشین عمان /۲۰۰/ پیامدهای عادی‌سازی در کشورهای عربی /۲۰۳/

فصل چهارم: نسخهٔ چینی جنگ‌های ترکیبی: سرمایه‌گذاری در... ۲۰۷

جنگ روسیه و اکراین: یک درگیری ژئوپلیتیکی و نزدیکی روسیه و چین /۲۰۷/ خطرات و پیامدهای جنگ روسیه و اکراین برای چین /۲۲۰/ دستاوردهای جنگ روسیه و اکراین برای چین /۲۲۶/ آیا چین می‌تواند به جنگ پایان دهد؟ /۲۳۷/

فصل پنجم: نحوهٔ مقابله روس‌ها با جنگ‌های ترکیبی... ۲۳۹

نگاه روسیه به اندیشکده‌ها و سیاست خارجی /۲۳۹/ روسیه و قدرت نرم /۲۴۴/ سازمان‌های دولتی روسیه و دیپلماسی عمومی /۲۴۵/ منابع مالی اندیشکده‌ها /۲۴۹/ اندیشکده‌های پشتیبان تصمیم‌گیری در روسیه /۲۵۳/ شورای امور بین‌الملل روسیه (RIAC) /۲۵۵/ باشگاه والدای /۲۵۸/ شورای سیاست خارجی و دفاعی (SVOP) /۲۶۱/ صندوق گورچاکف /۲۶۳/ مؤسسهٔ مطالعات استراتژیک روسیه (RISI) /۲۶۵/ مرکز بازیابی فکری روسیه (ISEPR) /۲۶۸/ مؤسسهٔ گفت‌وگوی تمدن‌ها (DOC) /۲۷۲/ مؤسسهٔ دموکراسی و همکاری (IDC)، پاریس /۲۷۴/ مؤسسهٔ امنیت اطلاعات (IISI) /۲۷۶/ برخی از نتایج این فصل /۲۷۸/

فصل ششم: حمایت اسرائیل از جنگ‌های مصنوعی آمریکا ۲۸۱

نفوذ اسرائیل در روسیه به‌عنوان بخشی از کارگزاران جنگ‌های ترکیبی آمریکا /۲۸۱/ سازمان‌ها و ارگان‌های لابی یهودی در روسیه /۲۸۷/ لابی یهودی، رسانه‌ها

و مؤسسات انتشاراتی روسیه /۲۹۱/ لابی‌های یهودی با نفوذ روسیه /۲۹۳/ نفوذ اسرائیل در قارهٔ آفریقا به‌عنوان بخشی از خدمات برای جنگ‌های ترکیبی آمریکا /۲۹۸/ روش‌های اطلاعاتی و جاسوسی /۲۹۹/ روش‌های نظامی و دفاعی /۳۰۴/ روش‌های سیاسی /۳۰۶/ روش‌های اقتصادی /۳۰۷/ روش‌های دیپلماتیک /۳۱۰/ روش‌های تکنولوژیکی /۳۱۳/ روش‌های رسانه‌ای /۳۱۶/ روش‌های انسانی و فرهنگی /۳۱۶/ روش‌های امنیت غذایی /۳۱۸/ روش‌های امنیت سلامت /۳۱۹/ روش‌های غیرقانونی /۳۲۳/ روش‌های عقیدتی و مذهبی /۳۲۴/ روش ارائهٔ کمک‌ها و خدمات توسعه /۳۲۵/ روش بهره‌برداری از نقاط ضعف /۳۲۶/ خاتمه /۳۲۷/

منابع ۳۳۱

مقدمهٔ مترجم

جنگ ترکیبی، از جمله مصطلحات سیاسی رایج این چند سالهٔ اخیر در فرهنگ مطبوعات و رسانه‌های کشور است؛ خصوصاً بعد از اغتشاشات مربوط به کشف حجاب.

جنگ آمیخته یا جنگ ترکیبی (Hybrid Warfare)، ترکیبی از جنگ سنتی نظامی منظم و نامنظم با جنگ دیپلماسی، جنگ اقتصادی، جنگ مجازی، جنگ خبررسانی جعلی، جنگ شناختی و ایدئولوژیک، جنگ دادگاهی، ترور، مداخله در انتخابات کشورهای خارجی، دامن زدن به اختلافات داخلی قشری و قومی، تجزیه‌طلبی، برهم زدن بافت جمعیتی، مهاجرپذیری، تهاجم فرهنگی، ایجاد تضاد دینی و هر شکل دیگری از مواجهه است.

البته هر کدام از این وجوه مواجهه، در گذشته نیز به شکل دوگانه و چندگانه، به‌طور طبیعی و باتوجه به شرایط، تحقق داشته‌اند؛ اما در شمایل جدید، تمام این ظرفیت‌ها، در بستر زمانی و مقطعی خاص، با یک برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه و هدفمند، به کارگرفته می‌شوند که عمدتاً درازمدت و فرسایشی هستند.

نویسندهٔ کتاب، حسین مرتضی (زادهٔ ۱۹۷۲ هِرمل[۱])، فارغ‌التحصیل رشتهٔ

۱. Hermel شهری در شمال شرقی لبنان در استان بقاع در ۱۳۰ کیلومتری بیروت که ۹۸ درصد ساکنانش شیعه هستند.

علوم سیاسی دانشگاه لبنان، خبرنگار شیعهٔ لبنانی و دبیر سیاسی شبکهٔ تلویزیونی **المنار**، یکی از چهره‌های رسانه‌ای معتبر جهان عرب است؛ به‌ویژه در عرصهٔ پوشش اخبار جنگ و موضوعات سیاسی منطقه‌ای و به‌خصوص درگیری‌های سوریه و لبنان. نظرات و تحلیل‌های عمیق، دقیق، مستدل و بی‌طرفانهٔ این خبرنگار نزدیک به حزب‌الله، در رسانه‌های عربی و بین‌المللی توجه زیادی را جلب کرده است. وی نزدیک به سه دهه فعالیت خبرنگاری، چند بار مورد سوءقصد قرارگرفته و مجروح شده است و هنوز گلوله را در تن خود دارد! به قول خودش، دوربین برایش روح است؛ اکسیژنی است که تنفس می‌کند و کلمه و دوربین، دوقلوهای او هستند!



او در دوران جنگ سوریه، حضوری فعال داشته است. مشاهداتش از شکل‌گیری و تداوم این بحران که نه فقط مشاهده و گزارش صرف، بلکه مطالبی پرورده با تحلیل‌های گام به گام زنده و پویاست، ذخیرهٔ تاریخی بکری در تحولات سیاسی منطقه محسوب می‌شود. وی مدتی هم در ایران مشغول به فعالیت بوده است. او خود در مصاحبه‌ای می‌گوید:

> پنج سال در تلویزیون فجر فعالیت می‌کردم. بعد از آن، با برادران حزب الله کار کردم؛ تا سال ۲۰۰۰. همان‌وقت در ایران، این طرح به صدا و سیما داده شد که یک تلویزیون به زبان عربی راه‌اندازی شود. چون قبلاً تلویزیون ایران با من کار کرده و مرا می‌شناختند، با من برای

همکاری تماس گرفتند. من در سال ۲۰۰۱، به ایران آمدم. درواقع، از مؤسسان شبکهٔ **العالم** بودم. این شبکه را راه انداختیم و شروع کردیم به کار کردن. دوره‌هایی را هم در اجرای اخبار و برنامه‌ها و همین‌طور جنگ رسانه گذراندیم. ابتدا من در این شبکه به‌عنوان مجری خبر و مجری برنامه‌های سیاسی بودم. وقتی در سال ۲۰۰۳ آمریکا عراق را اشغال کرد، به عراق منتقل شدم و جنگ آمریکا در عراق را پوشش دادم و برای مدتی به‌عنوان خبرنگار جنگی و مجری برنامه برای پوشش جنگ، آنجا ساکن شدم و بعد از آن، کارم را برای پوشش انتخابات و هر اتفاقی که می‌افتاد ادامه دادم. بعد از عراق، به جاهای دیگر، مثل سودان رفتم. در سال ۲۰۰۹ به لبنان برگشتم و آنجا یک سال و نیم مدیریت دفتر **العالم** را داشتم تا اینکه مدیریت دفتر **العالم** و پرس تی وی در سوریه به من داده شد. سه سال بعد، بحران سوریه شروع شد. تجربهٔ اول من در پوشش جنگ، عراق بود. تجربه دومم قبل از سوریه، در جنگ تموز در سال ۲۰۰۶ در لبنان بود.

برای اطلاع از سطح تأثیرگذاری گزارش‌های حسین مرتضی، بهترین راه، بازخوانی یک نمونه از آن‌هاست:

بعد از اینکه جنگ علنی و آشکار شد، شیوهٔ کارمان را برای پوشش این تحولات، تغییر دادیم. می‌رفتیم در جایی که حوادث زیاد بود. می‌رفتیم به منطقهٔ حمص. درگیری‌های سختی بود. درگیری‌ها در خانه‌ها بود. جنگ چریکی بود؛ این، نشان می‌داد که چقدر آن‌ها تجهیزات و سلاح داشتند؟ به‌قدری که می‌توانستند خانه‌ها را از فاصلهٔ دور بزنند و ویران کنند. موشک و وسایل ارتباطی و سلاح‌های پیشرفته داشتند. درواقع، جنگ بین دو ارتش بود: ارتش سوریه و گروهای مسلح که دارای تمام تجهیزات رزمی و پیشرفته بودند؛ این، نشان‌دهندهٔ پشتیبانی بزرگ از آن‌ها بود. ما این‌ها را پوشش دادیم. در

ابتدا مردم و حتی مردم طرف‌دار مقاومت هم ایدهٔ درستی از جنگ سوریه نداشتند. اینکه ارتش سوریه واقعاً در مقابل مسلحان است یا بی‌هدف بمباران می‌کند و دارد مردم را می‌کشد؟ من وقتی این درگیری‌ها را پوشش دادم، مردم دیگر کم‌کم حس کردند اینجا جنگ است! ما از بمباران فیلم می‌گرفتیم. بعضی وقت‌ها که می‌خواستیم جلو برویم، نمی‌توانستیم؛ چون دشمن، سلاح‌های پیشرفته داشت. تصاویر تأثیرگذار بود؛ به‌خصوص برای طرف‌داران مقاومت در سوریه و لبنان. اصلاً خیلی از مردم سوریه درک نمی‌کردند چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ ما توانستیم این تصویر را برای طرف‌داران مقاومت منعکس کنیم و کم‌کم برای مردم روشن شد که این یک جنگ واقعی است و ارتش سوریه از ملت دفاع می‌کند و با مجموعه گروهای مسلح می‌جنگد. بارها می‌شنیدم گروه‌های مسلح از طریق بی‌سیم با هم صحبت می‌کنند. مشخص شد که آن‌ها اصلاً سوری نیستند و اینکه جنگجویان غیرسوری اینجا حضور دارند و اینکه از کشورهای دیگر آمده‌اند، خیلی روی مردم تأثیر گذاشت. اوایل مردم باور نمی‌کردند که یک‌سری خارجی و بیگانه آمده‌اند اینجا و می‌جنگند. از القاعده و النصره آمدند. از عربستان، تونس، مغرب و... آمده‌اند. من توانستم همهٔ این‌ها را ثبت و پخش کنم، تا تأکید کنیم این قضیه وجود دارد و تأثیرگذار هم بود و افکار عمومی تغییر کرد. مردم فهمیدند که عده‌ای بیگانه هستند که در سوریه می‌جنگند. مردم حس کردند تعدادی کشور وجود دارند که از این‌ها حمایت می‌کنند و آن‌ها را به سوریه می‌آوردند. چه ضرورتی داشت که از کشورهای دیگر بیایند اینجا برای جنگ؟ آیا خود مردم اینجا حاضر نبودند به‌خاطر خواسته‌هایشان بجنگند؟ اغلب مردم سوریه، ضد این گروهای تروریستی هستند. کشورهایی که از این‌ها حمایت می‌کردند که بتوانند به اهداف اصلی خودشان برسند، نیازمند این بودند که آن‌ها را به اینجا برسانند. بعد از

مدتی که تفکر تکفیری شروع کرد به انتشار، تعداد زیادی از مسلحان غیرسوری، سعی‌کردند به سوریه بیایند. کدام کشورها این‌ها را سازمان‌دهی می‌کردند؟ خیلی از کشورها. ما مستنداتی داشتیم. سؤال این است: تروریست‌ها چطوری وارد سوریه می‌شوند؟ از ترکیه. چطور می‌آیند به ترکیه؟ چه کسانی به این‌ها پول پرداخت می‌کنند؟ سعودی خودش بارها به پشتیبانی از این‌ها اعتراف کرده است. قطر هم نقش بسیار بزرگی در وارد کردن سلاح برای تروریست‌ها داشت. پادگان‌هایی هم در اردن بود. آن‌ها از اردن می‌آمدند. مرز اردن باز است. مسلحان و سلاح از آنجا می‌آمد؛ از اردن و ترکیه و حتی از مرز لبنان. طبق آمار تقریبی که توانستم پیدا کنم، ۳۰۰ تا ۵۰۰ عربستانی در سوریه کشته شدند. من اسم آن‌ها را دارم. در عربستان برای آن‌ها مراسم ختم برگزار می‌کردند. تقریباً ۶۰۰ تا ۹۰۰ جنگجوی تونسی در سوریه کشته شدند. بعد از سال‌ها حالا همان کشور اعتراف کرده. همان‌طور روزنامه‌های غربی اعلام کردند که الان جنگجویان اروپایی مثل انگلیسی و آلمانی در سوریه حضور دارند. بالاخره آن‌ها پاسپورت آن کشورها را دارند. الان هم تعداد بالایی از عربستان، تونس و مغرب در سوریه هستند...

(روزنامهٔ **کیهان**: نهم آذر ۱۳۹۳)

حسین مرتضی در کتاب حاضر، به ماهیت و ابعاد راهبردی استراتژی جنگ‌های ترکیبی ایالات متحدهٔ آمریکا می‌پردازد. سبک این کتاب نیز ترکیبی است؛ ترکیبی اززبان علمی وژورنالیستی؛ نوعی روزنامه‌نگاری تحلیلی مستند که درمیان خبرنگاران داخلی، نمونه‌های انگشت‌شماری ازآن می‌توان یافت که اخباررا مانند یک بولتن علمی دریک اندیشکدهٔ سیاسی، به‌صورت کاربردی وراهبردی، دقیق ومختصروقابل استناد پرداخته وارائه کند.

این کتاب حسین مرتضی، درواقع، درفرم ومحتوا، یک رسالهٔ دکتری است که مطالعات نظری پشتیبان آن، گزارش کاملی از فهرست اندیشکده‌های

فعال در حوزهٔ علوم سیاسی، به‌ویژه منطقهٔ اوراسیا و خاورمیانه و نخبگان و اندیشه‌وران و نظریه‌پردازان به‌روز آن است که خواننده، ضمن اطلاع از ابعاد موضوع جنگ‌های ترکیبی آمریکا، با این اندیشکده‌ها و نیروهای زبده و فعال و خطوط فکری آن‌ها نیز آشنا می‌شود؛ آن هم در یک ساختار منسجم منطقی که تراز آموزشی در سطح تحصیلات تکمیلی دارد؛ اما با بیانی روشن و ژورنالیستی که هدف اصلی آن، انتقال ساده و سریع مطالب و تحولات پیچیده وگسترده است؛ با قلمی سخته و پخته؛ با ارجاعاتی عمدتاً زنده از پایگاه‌های این اندیشکده‌های برجستهٔ جهان.

دو مورد نقص کتاب، عبارتند از:

۱. محدود بودن مخاطب مورد نظر نویسنده به قشر متخصص در حوزهٔ تحلیل سیاسی؛ زیرا دایرهٔ خوانندگان آن، با عدم معرفی دقیق تمام اندیشکده‌ها و نظریه‌پردازان مورد ارجاع آن‌ها، محدود شده است. این نقیصه، با توضیحات اجمالی و دقیق در پاورقی ترجمه برطرف شده است. خوب است ناشر محترم عرب نیز در چاپ‌های بعدی، این توضیحات را ترجمه و به تعلیقات متن عربی بیفزاید.

۲. ویرایش فنی نه چندان دقیق و حرفه‌ای متن در پاراگراف‌بندی و تنظیم معادل‌های بیگانه که آن نیز در ترجمهٔ حاضر اصلاح شده است.

دوست گو یار شو و هردو جهان دشمن باش
بخت گو پشت مکن روی زمین لشکر گیر

کریم شنی
اسفند ۱۴۰۳

سخن ناشر عرب

از کنار دست‌نوشته‌ای که نام حسین مرتضی – روزنامه‌نگار معروف و پیشکسوت – را دارد، نمی‌توان سطحی گذشت؛ درواقع، اهمیت این کتاب، صرفاً به‌خاطر محتوایش نیست، بلکه بیشتر به‌دلیل انبوه تجربیاتی است که چنین نویسنده‌ای از آن بهره برده است.

ما در دفتر انتشاراتی دارالحضاره بیروت، می‌دانیم ارزش این پژوهش مهم – یعنی بررسی «جنگ‌های ترکیبی آمریکا» و افشای اسرار آن – که کسی مانند استاد حسین مرتضی آن را به عهده بگیرد، تا چه حد است؛ چون او یک روشنفکر معمولی نیست که تنها از پشت میز، با خیره شدن به چشمان خوانندگان خود، حرفی بزند! بلکه او یک خبرنگار مبارز و تحلیلگرِ درگیر ماجراست و حضور شجاعانه و مشاهدات زنده‌اش در مناطق جنگی، این امکان را به او داده است که شاهد اسراری باشد که بسیاری از ما، فرصت تجربه کردن آن‌ها را در میدان نداشتیم؛ بدیهی است؛ زیرا بسیاری از ما، این امکان را نداریم که از پشت صحنهٔ رویارویی نبردها مطلع باشیم؛ این، همان کاری است که نویسندهٔ این کتاب، از آغاز حضور نسبتاً طولانی خود در پوشش میدانی اخبارِ مربوط به حملات اسرائیل علیه لبنان، توانسته به انجام برساند؛ مهم‌ترین آن‌ها، پوشش خبری او در جنگ تموز ۲۰۰۶[۱] و قبل از آن، حملهٔ

---

۱. جنگ ۳۳ روزهٔ حزب‌الله و رژیم اشغالگر قدس. رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶، برخلاف

آمریکا به عراق بوده است؛ همچنین، تحولات سودان در دوران حکومت «عمر البشیر» و سفر وی به آنجا و گزارش‌هایی که در یکی دیگر از کشورهای آفریقایی به نام اریتره داشته است. علاوه بر این، در جنگ جهانی علیه سوریه و مردم آن، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲، چندین بار با شهادت‌طلبی تا سرحد شهادت نیز پیش رفته است، تا جایی که برای تروریست‌ها هدف قرار دادن حسین مرتضی، مهم‌تر از ترور فرماندهان ارتش سوریه شده بود؛ به همین خاطر، به‌کرّات در رسانه‌ها ترورش کردند! البته بعد از چندین بار که با شلیک مستقیم تک‌تیراندازها مورد هدف قرار گرفت و بارها از سوءقصد نافرجام جان سالم به در برد؛ مثل تلاش برای کارگذاشتن تلهٔ انفجاری در دفترش و انفجار یک وسیلهٔ نقلیهٔ ماهواره‌ای که قرار بود در خودرویی باشد که در لحظهٔ انفجار در کنار آن قرار داشت؛ در دمشق در سال ۲۰۱۱. البته همهٔ این حوادث، تجارب عبرت‌انگیز بسیاری برای او به همراه داشت.

اهمیت این کتابِ حسین مرتضی، تنها به‌دلیل اینکه او یک نظریه‌پرداز روشنفکر است، نیست؛ بلکه ناشی از آن است که تمام فرماندهان محوری که او به آن تعلق دارد، به عمق دانش او و نیز عمق ارتباطات او با این کارزار، از طریق تصویر، اندیشه و کتاب، اذعان دارند.

این شاهکار فکری تقدیم به شما خوانندگان عزیز؛ به امید اینکه مورد پسندتان واقع شود.

توافق با حزب‌الله، سه اسیر لبنانی را آزاد نکرد. حزب‌الله برای آزادی آن‌ها، در جولای ۲۰۰۶، در عملیات «الوعد الصادق» دو نظامی اسرائیلی را اسیر گرفت. رژیم صهیونیستی در مقابل این عملیات، به لبنان اعلام جنگ کرد و به‌صورت رسمی خواستار خلع سلاح حزب‌الله و آزادی دو اسیر خود شد. بیش از ۴۰ هزار نظامی وارد این جنگ شدند؛ اما نتوانستند بر حزب‌الله غلبه کنند و به اهداف خود برسند و در روز سی و چهارم جنگ (۱۴ اوت ۲۰۰۶)، براساس قطعنامهٔ ۱۷۰۱ شورای امنیت، آتش‌بس برقرار شد.

مقدمهٔ نویسنده

به حُکم «مَن لَم یَشْکُرِ المَخْلُوقَ لَم یَشْکُرِ الخالِقَ»[1] و نیز ادای حق صداقت و وفاداری، باید از مردی که از شهرت و تبلیغ پرهیز دارد، تشکر کنم که این فرصت را به من داد تا ده‌ها مقالهٔ تحقیقاتی منتشرنشده از آثارش را بخوانم؛ مقالاتی که بی‌شک، نتیجهٔ مشاهدات و همکاری نزدیک او با مدیران سیاسی بسیاری از کشورهایی است که در سه دههٔ گذشته در آن‌ها زندگی کرده است.

این مباحث، توجه مرا ابتدا در یک سلسله‌مقالات به خود جلب کرد؛ عنوان نخستین نمونهٔ آن، این بود: «آیا پس از کاراکاس، نوبت مسکو و تهران است؟»[2] (۲۰۰۷) و در نهایت، با یک سلسله مقالات دیگر با عنوان «چگونه انقلاب رنگی را شکست دهیم؟»[3] (۲۰۱۹) پایان یافت؛ درواقع، این نوشته‌ها و نویسنده‌اش، نقش عمده‌ای در توجه من به‌سمت عوالم پشت پردهٔ جنگ‌های نامتعارف داشتند.

---

۱. اقتباسی از این حدیث امام رضا علیه‌السلام که می‌فرمایند: «مَنْ لَمْ یشْکرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ لَمْ یَشْکرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»؛ (هر که سپاس مُنعِم را ادا نکند، سپاس خدای بزرگ را ادا نکرده است.) ر.ک. تفصیل ***وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة***، محدث عاملی، قم: آل‌البیت، چاپ (۱۴۰۹)، ج۱۶ ص۳۱۳، حدیث ۲۱۶۳۷.

۲. هل یأتی دور موسکو و طهران بعد کاراکاس؟

۳. کیف تهزم ثورة ملونة؟

منظورم «خَضِر عَوارکه»[۱]، روزنامه‌نگار، محقق، متفکر و کارشناس سیاست بین‌الملل است که برای رهایی از تأثیرات شهرت منفی، دنیای سایه را برگزیده و خود را وقف نوشتن جدی و تحقیقات پرزحمت نموده است؛ بدین‌ترتیب، بسیاری از مطالب کتاب حاضر، حاصل بهره‌مندی از نوشته‌ها و مشاهدات عوارکه است.

در طول ده قرن گذشته، ممالک جهان اسلام که در حال حاضر، مجموعاً جهان سوم نامیده می‌شود، به‌طور خاص، در معرض جنگ‌های پیاپی قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. وجه اشتراک همهٔ این قدرت‌ها نیز که حملاتشان تا به امروز هم ادامه دارد، خوی تجاوز و جنگ‌افروزی است؛ به‌طوری‌که تمام ظلم‌هایی که علیه بشریت صورت می‌گیرد، از دل آن‌ها زاده شده است.

با پیشرفت نیروی محور مقاومت و پیروزی‌های متعدد آن که صدها سال آرزوی تمام مسلمانان و همهٔ مستضعفان جهان بود، نیروهای متجاوز و جنگ‌افروز نیز روش‌های خود را متناسب با توسعهٔ روش‌های جبههٔ مقاومت، توسعه دادند.

اقدامات جنگی اخیرِ این متجاوزان علیه مردم ما، نه با استفاده از سلاح

---

۱. Khader Awaraka روزنامه‌نگار و تحلیلگر لبنانی که از سال ۲۰۰۰ میلادی، ساکن مونترال کاناداست. وی دانش‌آموختهٔ رشتهٔ انفورماتیک (۱۹۸۶) از دانشگاه فرانسوی‌زبان «لانگوی» (Longwy) در مونترال کاناداست. مستندی نیز دربارهٔ جامعهٔ لبنان با همکاری رادیوتلویزیون کویت ساخته است که در ۲۰۰۶ از این تلویزیون پخش شد. از جمله کتاب‌های اوست: ۱. «***ولایات الانبیاء المتحدة والرقص علی ایقاع الخرافة***/ ایالات متحده انبیا و رقصیدن به آهنگ خرافه» (دارالهادی- بیروت ۲۰۰۶) که یک پژوهش مستند از نفوذ افراطیون صهیونیست‌مسیحی در کلیساهای آمریکا و جهان عرب و نقش نومحافظه‌کاران در همکاری با آن‌ها و حاوی اسرار منتشرنشده‌ای است؛ ۲. «***الطریق من اورشلیم الی مکة***/ مسیر اورشلیم تا مکه» (دارالهادی- بیروت ۲۰۰۶) که ترجمهٔ کتابی است که مبلّغ کانادایی، «میلیسا اثاناسیوس ککی‌نیس» (Melissa Athanasios Kokkinis) (زادهٔ ۱۹۷۸) دربارهٔ زندگی خود، به‌عنوان یک مسیحی نوگرویده به اسلام، نوشته است. ۳. رمان «***ریم و حور***/ غزال و فرشته» با پیرنگ زندگی عاطفی دانشجویان عرب در غرب.

نظامی کُشنده است و نه به شیوهٔ جنگ‌های متعارف؛ بلکه نبردی است که اصطلاحاً «جنگ‌های ترکیبی» نامیده می‌شود که پیچیده‌تراست؛ البته نه به‌صورت یک ترکیب «هَجینه»[1] (دورگه/ پیوندی)؛ بلکه با ابعاد بسیار بیشتر و پرتعدادتر؛ یعنی متشکل از چندین لایهٔ پیچیده؛ شدت عمل بسیار بیشتری هم دارد؛ بنابراین، به‌درستی آن را باید جنگ ترکیبی بنامیم؛ زیرا از لایه‌های متقاطعِ دَرهم تنیدهٔ زیادی، مانند دایره‌ها و مکعب‌های نامرئی که افراد ناآشنا و حتیَ ناظران و متخصصان، نمی‌توانند آن‌ها را به‌وضوح ببینند، تشکیل شده است.

و از آنجا که این تجاوز همه‌جانبه، جز با بازوهایی که باید ذهن عموم مسلمانان و مستضعفان جهان، آن را به حرکت درآورد، شکست نمی‌خورد، این تلاش کوچک را که قطره‌ای از دریاست، تقدیم می‌کنیم تا افراد بیشتری با پروراندن مطالب آن، این آگاهی را نسبت به روش‌های دشمن گسترش دهند تا بتوانیم روش‌های ترکیبی‌تر و پیچیده‌تری از مقاومت را از ذهن‌هایی که در عشق به آزادی می‌سوزند، تولید و استخراج کنیم؛ شیوه‌هایی که خود مردم، مانند فرماندهان واقعی ابداع و مانند مبارزان باتجربهٔ مقاومت اجرا کنند تا بتوانیم با دفع تهاجم متجاوزان و ممانعت از تصرف اراده، ذهن فرزندان، سرزمین وکشورمان، متجاوزان را شکست دهیم.

---

۱. هَجین: دورگه؛ مثل قاطر که از اسب عربی و الاغ زاده می‌شود؛ یا کسی که پدر و مادر عرب و عجم دارد.

فصل اول

جنگ و تحریم‌های اقتصادی آمریکا
اصلی‌ترین سلاح جنگ‌های ترکیبی

۱. شرکت‌های فراقاره‌ای آمریکایی، حربهٔ آمریکا برای تحریم‌های اقتصادی
۲. تحریم‌ها و ممنوعیت‌های غرب علیه روسیه، نمونه‌ای از عملیات جنگ ترکیبی
۳. ایالات متحده و جنگ اقتصادی

قصد توضیح مفصل خیلی از موضوعات را نداریم، زیرا ممکن است خوانندگان غیرمتخصصِ مطالب کتاب، زمان زیادی برای مطالعه نداشته باشند؛ به همین خاطر، ابتدا یک مدل ساده از ابعاد جنگ‌های ترکیبی را که علیه مردم ما به راه افتاده، ارائه می‌کنیم. ابتدا یک بُعد جنگ ترکیبی را بررسی می‌کنیم که جنگ اقتصادی است.

در ابتدا نیز باید مشخص کنیم که وقتی می‌گوییم «آمریکا»، منظور کسی یا کسانی هستند که از قرن‌ها پیش، یعنی از زمانی که اولین ایالت آمریکا به وجود آمد، دولت آمریکا را کنترل می‌کنند تا آن را در جهت منافع خود، در جنگ‌ها و ویران کردن سایر کشورها و به بردگی گرفتن مردم سوق دهند؛ حتی با به بردگی کشیدن مردم خود! آن هم به شیوه‌ای بدیع که به‌عنوان بردگانی خوشبخت، مورد حسادت دیگر ملت‌ها قرار گیرند! و مطیع کسانی باشند که ثروتشان را

غارت می‌کنند و نیمی از درآمد شخصی آن‌ها را می‌دزدند؛ بدون اینکه درازای آن چیزی بدهند، جز احساس شهروندی که بسیار آماده است تا بارها و بارها نمایندگان غارتگران خود را دوباره انتخاب کند!

شرکت‌های فراقاره‌ای آمریکایی، حربهٔ آمریکا برای تحریم‌های اقتصادی

ایالات متحدهٔ آمریکا شامل بسیاری از شرکت‌های فراقاره‌ای است که از نفوذ اقتصادی و سیاسی زیادی در داخل و خارج از آمریکا برخوردارند. در این بخش، سه شرکت مهم و نقش آن‌ها در کنترل تصمیمات دولت‌های آمریکایی را بررسی می‌کنیم که عبارتند از: «بلک‌استون»[1]، «ونگارد»[2] و «استیت استریت کورپوریشن»[3].

شرکت بلک‌استون

بلک‌استون، یک شرکت سرمایه‌گذاری و مشاوره است که برای سرمایه‌گذاران و مشتریان خود، راه‌حل‌های مالی ارائه می‌دهد. این شرکت در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد. بنیانگذاران آن، «اِستفان آلِن شوارتْزْمَن»[4]، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت و «پیتر جورج پیترسون»[5] بودند. پیترسون در سال ۲۰۰۸ با عنوان رئیس هیئت‌مدیره بازنشسته شد.[6]

---

1. Blackstone
2. Vanguard
3. State Street Corporation
۴. (Stephen Allen Schwarzman) (زادهٔ ۱۹۴۷)، بانکدار و سرمایه‌دار آمریکایی از حزب جمهوری‌خواه
۵. (Peter George Peterson) (۱۹۲۶ – ۲۰۱۸) از مدیران ارشد دولت آمریکا. وی از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ به‌عنوان بیستمین وزیر بازرگانی ایالات متحدهٔ آمریکا و در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۷، ریاست شورای روابط خارجی آمریکا و نیز از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ نیز رئیس بانک فدرال رزرو نیویورک بود.
6. www.Crunchbase.Com/Organization/Blackstone

این مجموعه، مشغول ارائهٔ خدمات مدیریت دارایی و بازار سرمایه است و سازکارهای سرمایه‌گذاری متمرکز بر صندوق‌های سهام خصوصی، صندوق‌های املاک و مستغلات، صندوق‌های «التَّحَوُّط» (احتیاطی/ پوششی)[۱] و اعتباری غیرسرمایه‌گذاری، و نیز صندوق‌های ثانویه[۲] و سایر راهبردهای چند پایه‌مالی را مدیریت می‌کند.

این شرکت، همچنین، امنیت مالی را برای صندوق‌های ثروت دولتی، بازنشستگان و سایر سرمایه‌گذاران نهادی و فردی فراهم می‌کند. بلک‌استون، همچنین، راهبردهای بیمه‌ای متنوعی را ارائه می‌دهد؛ مانند بیمهٔ بازنشستگی، حفاظت از دارایی و نتایج تغییرات ریسک‌ها.

دفتر مرکزی بلک‌استون، در نیویورکِ ایالات متحدهٔ آمریکا قرار دارد؛ اما در سراسر قارهٔ آمریکا، اروپا و آسیا و اقیانوسیه حضور عملیاتی دارد[۳] و خدمات مشاورهٔ مالی، مثل ادغام و تملک، بازسازی، سازمان‌دهی مجدد و خدمات سرمایه‌گذاری را ارائه می‌دهد.[۴]

در سپتامبر ۲۰۲۲، ارزش بازار گروه بلک‌استون ۵۹/۳۶ میلیارد دلار بود؛ بدین‌ترتیب، گروه بلک‌استون، دوسال پیش، براساس داده‌های خودش، رتبهٔ ۲۲۱ را از نظر ارزش بازار در جهان کسب کرده بود.[۵] البته منابع دیگر، در ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲، ارزش بازار گروه بلک‌استون را تا ۱۰۰/۵۲ میلیارد دلار نیز گزارش کرده‌اند.[۶]

---

۱. صنادیق التَّحَوُّط (وِقائیه)؛ برای پوشش ریسک یا پوشش سرمایه (Hedge fund)

۲. صندوق یا بازار ثانویه (Secondary market) محل داد و ستد اوراق منتشر شده در بازار اولیه است. حجم معاملات در این بازار، نسبت به بازارهای اولیه بسیار بیشتر است. اوراق بهادار، در بازار ثانویه، بارها و بارها داد و ستد می‌شود. نمونه‌ای از بازار ثانویه، بورس اوراق بهادار تهران است.

۳. دفاتر بین‌المللی بلک‌استون در شهرهای لندن، پاریس، دوسلدورف، سیدنی، توکیو، هنگ‌کنگ، پکن، شانگهای، بمبئی و دبی مستقر هستند.

4. www.weforum.Org/Organizations/The-Blackstone-Group

5. www. globaldata.Com/Company-Profile/The-Blackstone-Group-Inc

6. www.companiesmarketcap.Com/Blackstone-Group/Marketcap

این شرکت، بیشتر ترجیح می‌دهد که در سهام خصوصی، املاک و مستغلات، بدهی‌های عمومی، سهام‌ها و دیون اعتباری غیرسرمایه‌گذاری، دارایی‌های املاک و مستغلات و صندوق‌های ثانویه، سرمایه‌گذاری کند.[1]

مجلهٔ **فوربس**[2] لقب «پادشاه صنعت سهام خصوصی» را به استفان شوارتزمن داده است؛ زیرا او یکی از ثروتمندترین افراد در ایالات متحده، با دارایی خالص ۳۷/۳ میلیارد دلار است که شوارتزمن را به جایگاه هفتاد و نهمین فرد ثروتمند جهان رسانده است.

شوارتزمن و گروهش، مسئول نظارت بر تخصیص سرمایه برای صندوق‌های متعدد بازنشستگی، صندوق‌های دارایی دولتی، بانک‌های مرکزی و سایر مؤسسات سرمایه‌گذاری و مؤسسات دیگر، با طیف گسترده‌ای از منافع تجاری جهانی در سهام خصوصی، تأمین مالی بدهی‌ها، مدیریت صندوق‌های پوششی و تملک املاک و مستغلات هستند.

شوارتزمن، یکی از قدرتمندترین افراد «وال استریت»[3] است و در سال ۲۰۰۷، به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین افراد در مجلهٔ ***تایم***[4] معرفی شد. او در طول سال‌های متمادی، صدها میلیون دلار، با اهداف مختلف، کمک مالی کرده است. شوارتزمن، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل گروه بلک‌استون، یکی از

---

1. www pitchbook.Com/Profiles/Investor/10014-49# Investments

۲. ***فوربس*** یا ***فوربز*** (***Forbes***) دوهفته‌نامه مشهور آمریکایی با موضوع اقتصاد (آغاز: ۱۹۱۷).

۳. Wall Street/ خیابان دیوار، خیابان معروفی در محلهٔ یهودی‌نشین منهتن نیویورک در ایالات متحدهٔ آمریکاست؛ اما ازآنجاکه محل استقرار بورس اوراق بهادار نیویورک، بزرگ‌ترین بورس اوراق بهادار جهان (NYSE) و نیز چندین بازار بورس دیگر است، به نماد بازارهای مالی و درواقع، مرکز صنعت خدمات مالی ایالات متحدهٔ آمریکا، تبدیل شده است. روزنامهٔ مشهور اقتصادی ***وال استریت ژورنال***، نام خود را از وال استریت اقتباس کرده است.

۴. ***TIME*** هفته‌نامهٔ خبری مشهور نیویورک آمریکاست که نسخه‌های مشابهی در ملیت‌های دیگر دارد. (آغاز: ۱۹۲۳) در سال‌های اخیر، مجلهٔ ***تایم*** اقدام به جمع‌آوری فهرست صد شخصیت برجستهٔ هر سال میلادی می‌نماید. از نگاه سیاسی، ***تایم*** موضع راست‌گرایانه دارد و بیان‌کننده سیاست‌های آمریکا در جهان است. امام خمینی‌ﷺ شخصیت سال روزنامه ***تایم*** در سال ۱۹۷۹ بود.

بزرگ‌ترین مدیران «الأصول البدیلة» (دارایی‌های جایگزین)[۱] جهان است که ارتباط جدی با امور مالی شرکت‌ها ندارد.

شوارتزمن، در دوران تحصیل در دانشگاه «ییل»[۲]، دوره‌های مرتبط با علوم اجتماعی، مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را هم گذراند. او و «جورج دبلیو بوش»، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، اعضای انجمن مخفی و بدنام «جمجمه و استخوان»[۳] دانشگاه ییل بودند.

در سال ۱۹۸۵، شوارتزمن و پیترسون، بلک‌استون را تنها با چهارصد دلار از پول خود تأسیس کردند؛ اما حالا این شرکت، بیش از صد میلیارد دلار برای هشت صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی خود جمع‌آوری کرده است.

---

۱. سرمایه‌گذاری جایگزین (Alternative Investment)، نوعی دارایی مالی است که در هیچ‌یک از دسته‌های سرمایه‌گذاری متعارف قرار نمی‌گیرد. دسته‌بندی‌های متعارف، شامل سهام، اوراق قرضه و پول نقد است. سرمایه‌گذاری‌های جایگزین می‌تواند شامل سهام خصوصی یا سرمایه‌گذاری خطرپذیر، صندوق‌های اعتباری، قراردادهای آتی مدیریت‌شده، هنر و عتیقه‌جات، کالاها و قراردادهای مشتق از آن‌ها باشد. املاک نیز اغلب به‌عنوان سرمایه‌گذاری جایگزین طبقه‌بندی می‌شود.

۲. Yale دانشگاه تحقیقاتی خصوصی در شهر «نیوهیون» (New Haven) واقع در ایالت «کِنِتیکت» (Connecticut) آمریکاست که در سال ۱۷۰۱ میلادی تأسیس شده است و وابستگی مذهبی به کلیسای کاتولیک دارد و در سال ۲۰۲۰، رتبهٔ ۱۷ جهان و ۹ آمریکا را کسب کرده است. بسیاری از رؤسای جمهور ایالات متحده و همچنین سران دولت آن، مثل بیل کلینتون، جورج دبلیو بوش، جان کِری و هیلاری کلینتون از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند.

۳. محفل مخفی دانشجویی «جمجمه و استخوان» (The Order of Skull and Bones) (تأسیس ۱۹۸۳) که زمانی با نام «برادری مرگ» خوانده می‌شد، به‌خاطر اعضا و فارغ‌التحصیلان قدرتمند و تئوری‌های توطئه شهرت دارد. اعضای این انجمن که شایع شده است ساختاری شبه «ایلومیناتی» (Illuminati) یا «فراماسونی» دارد، نوعاً پروتستان سفیدپوست هستند و هرکدام عناوینی رازآلود دارند. سه‌شنبه‌ها و یکشنبه‌های هر هفته در جایی به نام مقبره (Tomb) با هم ملاقات می‌کنند و الههٔ خیالی، «ستایش» (Eulogie) را می‌پرستند. عدد ۳۲۲، سمبل عددی انجمن جمجمه و استخوان است و بر روی میز تحریر این انجمن حک شده است. ر.ک:

Bagg, Lyman Hotchkiss (1871). ***Four Years at Yale. New Haven, C.C. Chatfield & Co***

آخرین صندوق این شرکت؛ یعنی «شرکای سرمایه‌گذار بلک‌استون» (Blackstone Capital Partners)، به تنهایی، دو میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ جمع‌آوری کرده است.

شوارتزمن، بلک‌استون را در سال ۲۰۰۷ عمومی کرد. او تنها در سال ۲۰۱۴ میلادی، ۶۹۰ میلیون دلار به‌عنوان سود، از بلک‌استون دریافت کرد.

شوارتزمن، درواقع، با مدیریت پول دیگران میلیاردر شد؛ به همین خاطر، از سطح شفافیتی که بازار بورس ارائه می‌کند، ناراضی است.

امروزه، بلک‌استون، یکی از بزرگ‌ترین مدیران دارایی‌های جایگزین در جهان است. این شرکت با مدیریت صدها میلیارد دلار، از طریق فناوری و خدمات نوآورانه در هر سطح از سازمان، برای مؤسسات سرمایه‌گذاری متعدد، سود (رسوم/ بهره رَبوی) جمع‌آوری می‌کند؛[1] درواقع، بلک‌استون، توانسته است با یک استراتژی قوی و پایدار در مدیریت منابع مالی، در بیش از ۲۰ شرکت «محفظة»[2] (کیف/ سبد)، سود سهام پرداخت کند و به فعالیت خود ادامه دهد. بلک‌استون با اشراف بر فعالیت صنایع در مناطق مختلف، صاحب یک سبد سهام با بُنیه مالی بزرگ است.[3]

شرکت اِستِیْت اِستریت

شرکت استیت استریت کورپوریشن[4]، یک شرکت خصوصی سرمایه‌گذاری است که مدیریت دارایی‌های مؤسسین خود را در سراسر جهان به عهده دارد.

---

1. www.investopedia.Com/Articles/Investing/090915/How-Stephen - Schwarzman - Built- Blackstone-Group.Asp

۲. سبد سرمایه‌گذاری، سبد سهام یا «پُرتفُوی/ پورتفولیو» (Portfolio)، مجموعه‌ای از دارایی‌های مالی نظیر سهام، اوراق قرضه، کالا، ارز و همچنین صندوق‌های سرمایه‌گذاری است؛ البته می‌تواند شامل اوراق غیرقابل معامله نیز باشد؛ مانند سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، خصوصی و...

3. .www.se.Com/Ww/En/Work/Campaign/Life-Is-On/Case-Study/Blackstone.Jsp

4. State Street Corporation

محصولات و خدمات این شرکت، شامل نگهداری، حسابداری، مدیریت، قیمت‌گذاری روزانه، خدمات مبادلات بین‌المللی، مدیریت نقدینگی، مدیریت دارایی‌های مالی، اعطای وام اوراق بهادار و خدمات مشاوره سرمایه‌گذاری است. عمده فعالیت این شرکت در دو محور است: خدمات و مدیریت سرمایه‌گذاری.

کارگزاران شرکت عبارتند از: صندوق‌های مشترک[۱]، صندوق‌های سرمایه‌گذاری جمعی[۲] و مجموعه‌های سرمایه‌گذاری دیگر؛ مثل طرح‌های بازنشستگی شرکتی و عمومی، شرکت‌های بیمه و غیره.

این شرکت، یکی از شرکت‌های متخصص پیشرو در جهان، در ارائهٔ خدمات، مدیریت و تحقیقات سرمایه‌گذاری، و نیز خدمات تجارت آنلاین، برای اعضای سرمایه‌گذار است. طیف گسترده و یکپارچهٔ خدمات این شرکت، در تمام زمینه‌های سرمایه‌گذاری، مثل تحقیق و مدیریت سرمایه‌گذاری و خدمات تجارت اینترنتی گسترش یافته است.

این شرکت، در ۲۶ کشور در سراسر جهان فعالیت می‌کند و بیش از ۲۱ هزار کارمند دارد و ابتدا در سال ۱۷۹۲، به‌عنوان یک بانک تجاری تأسیس شده است و دفتر مرکزی آن، در شهر بوستون، ایالت ماساچوست آمریکا قرار دارد.[۳]

---

۱. «صندوق مشترک / میوچال فاند» (Mutual Fund) اصطلاحاً به صندوقی گفته می‌شود که وجوه دریافتی از سرمایه‌گذاران را در یک مجموعه اوراق بهادار، سرمایه‌گذاری می‌کند و هر سرمایه‌گذار، به نسبت سهم خود در مجموعه، از سود یا ضررهای حاصل از این سرمایه‌گذاری متقابلاً سهم می‌برد. این شکل از سرمایه‌گذاری، ابتدا در آمریکا رواج پیدا کرد. در ایران، صندوق‌های سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۸۷ تأسیس شده‌اند. سازمان صادرکننده مجوز تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، سازمان بورس و اوراق بهادار است.

۲. صندوق‌های سرمایه‌گذاری جمعی (جماعی) یا مؤسسات اعتباری، دارایی‌های افراد و سازمان‌ها را برای ایجاد یک سبد سرمایه‌گذاری بزرگ و متنوع جمع‌آوری می‌کنند. دو نوع صندوق سرمایه‌گذاری جمعی وجود دارد: صندوق‌های نوع اول که دارایی‌های تلفیقی هستند؛ برای مشارکت در اهداف خاص سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌گذاری معمولی؛ و نوع دوم که دارایی‌های ادغام‌شده از طریق حساب‌های امانی که معاف از مالیات هستند. این صندوق‌ها در قالب بانک‌ها یا شرکت‌های اعتباری فعالیت دارند.

3. www.unepfi.Org/Member/State-Street-Corporation

این شرکت، از زمان افتتاح اولین شعبهٔ اروپایی در مونیخ، در سال ۱۹۷۰، موقعیت خود را به‌طور مستحکم در منطقه تثبیت کرده و دامنهٔ خدمات خود را به‌طورمتوالی گسترش داده است و امروزه در اتریش، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، سویس، انگلستان و لهستان شعبه دارد؛ همچنین در دانمارک و علاوه بر اصل خدمات سرمایه‌گذاری، مدیریت و تحقیقات سرمایه‌گذاری و نیز خدمات اوراق بهادار و همچنین ارز خارجی را ارائه می‌دهد[1] و از آنجا که ۲/۵۱۱ تریلیون دلار را به شکل تبادل و ۳۱/۶۲ تریلیون دلار را به شکل نگهداری مدیریت می‌کند، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های مدیریت مالی در جهان و دومین بانک بزرگ خزانه‌داری در دنیا محسوب می‌شود و در سال ۲۰۱۹، در فهرست «فورچون۵۰۰»[2] در رتبهٔ ۲۴۷ قرارگرفته‌است.

نام این شرکت، از خیابان «اِستِیْت» در بوستون گرفته شده که به «خیابان بزرگ تا دریا»[3] معروف بود. «رونالد اوهانلی»[4] رئیس و مدیرعامل شرکت[5] و «جوزف (جی) هالی»[6]، رئیس هیئت‌مدیره و نیز رئیس و مدیر اجرایی، از رؤسای اصلی آن هستند.[7]

---

1. www.fpmi.De/En/Participants/Credit-Financial-Institutions /State-Street-Corporation.

۲. «فورچون۵۰۰» (Fortune) فهرستی پانصدتایی از ثروتمندترین شرکت‌های آمریکایی که هر ساله نشریهٔ آمریکایی معتبر و تجاری **فورچون** تهیه و اعلام می‌کند.

3. Great Street to the Sea

۴. (Ronald P. O'Hanley) دانش‌آموختهٔ رشته علوم سیاسی (۱۹۸۰) دانشگاه «سیراکیوز» (Syracuse) و ارشد مدیریت بازرگانی (۱۹۸۶) دانشگاه «هاروارد» است که پیش از پیوستن به این شرکت (۲۰۱۵)، در شرکت سرمایه‌گذاری «Fidelity» (۲۰۱۰ – ۲۰۱۴)، بانک نیویورک ملون «Mellon» (۱۹۹۷–۲۰۱۰) و بسیاری از شرکت‌های دیگر که یا خود تأسیس نموده یا در مدیریت آن مشارکت داشته، خدمت کرده است. ر.ک:

www.statestreet.com/us/en/asset-manager/about/our-people/leaderships/ronaldohanley

5. www.Inclusivecapitalism.Com/Organization/State - Street-Corporation

۶. در وب‌سایت شرکت، شخصی بدین نام، پُستی ندارد. ر.ک:

www.statestreet.com/us/en/asset-manager/about/our-people/leaderships

7. www.marketswiki.Com/Wiki/State_Street_Corporation

سرمایه‌گذاران بنیان‌گذار شرکت، اکثریت مالکیت آن را با ۹۱/۹۳٪ از سهام موجود، در اختیار دارند و این سرمایه را بیشتر از هر شرکت دیگری، در صنعت بانکداری منطقه‌ای اِعمال می‌کنند، به‌طوری‌که در طول سه ماهه منتهی به ژوئن ۲۰۱۹، این سرمایه‌گذاران بزرگ، به‌طور خالص، ۵/۵ میلیون دلار سهام، بدین تفصیل خریداری کرده‌اند: صاحبان صندوق‌های سرمایه‌گذاری ۵۴٪، سایر نهادها ۳۷/۹۴٪ و ذی‌نفعان شخصی ۲/۴۰٪.

این شرکت، تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۰، با ۱۹ تریلیون دلار داراییِ تحت نظارت و مدیریت و ۱/۸ تریلیون دلار داراییِ ذیل مدیریت خویش، در میان ۲۵ کشور و بیش از ۱۰۰ بازار جغرافیایی در سراسر جهان، در حال فعالیت است و با سهم بیش از ۳۵ درصدی بازار و بیش از یک تریلیون دلاری دارایی‌های وجوه عمومی، ارائه‌دهندهٔ برتر خدمات سرمایه‌گذاری در بازار وجوه عمومی محسوب می‌شود.

شرکت ونگارد

شرکت ونگارد، بزرگ‌ترین شرکت مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در ایالات متحده است و به‌دلیل ساختار منحصربه‌فرد، کم‌هزینه و رویکرد سرمایه‌گذاریِ شفاف، حسب تعریف خود شرکت[1]، از سایرین متمایز است؛ بدین‌ترتیب، این شرکت، بزرگ‌ترین ارائه‌دهندهٔ خدمات صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و بعد از «ایشِیْرز»[2] که متعلق به بلک‌راک[3] است، دومین ارائه‌دهندهٔ وجوه قابل معامله در بورس (ETF)[4] در جهان محسوب می‌شود و

1. www.Islandsbanki.Is/En/Product/Savings/The-Vanguard-Group-Eng

2. Ishares

۳. Blackrock شرکت خدمات مالی چندملیتی آمریکایی است که در زمینهٔ سرمایه‌گذاری، مدیریت سرمایه‌گذاری، مدیریت ثروت و مدیریت دارایی فعالیت می‌کند و با دارایی تحت مدیریت حدود ۱۰ تریلیون دلار آمریکا، به‌عنوان بزرگ‌ترین شرکت مدیریت دارایی جهان شناخته می‌شود. «لارنس فینک» (Laurence Fink) (زادهٔ ۱۹۵۲) سیاست‌مدار و اقتصاددان یهودی آمریکایی، این شرکت را در سال ۱۹۸۸ تأسیس کرد.

4. Exchange-traded fund

علاوه بر صندوق‌های مشترک و صندوق‌های سرمایه‌گذاری متداول، به ارائه خدمات کارگزاری، مستمری‌های متغیر و ثابت، خدمات حساب آموزشی، برنامه‌ریزی مالی، مدیریت دارایی و خدمات اعتباری نیز می‌پردازد.

چندین صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، تحت مدیریت ونگارد است؛ بدین‌ترتیب، درکنار بلک‌راک، در صدر فهرست صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک ایالات متحده قرار دارد و باتوجه به دارایی‌های تحت مدیریت، درکنار بلک‌راک و استیت استریت یکی از سه مدیر بزرگ صندوق‌های مورد اشاره است که بر شرکت‌های ایالات متحده تسلط دارد[1] و به طیف گسترده‌ای از صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترکِ کم‌بودجه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس اوراق بهادار، مشاوره و خدمات مرتبط ارائه می‌دهد.

مشتریان این شرکت، شامل افراد، مؤسسات مالی، مشاوران مالی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی است.[2] تمامی وجوه نیز متعلق به سهام‌داران است؛ بنابراین، برخلاف اکثر شرکت‌های سرمایه‌گذاری دولتی، سهام‌داران، مالک واقعی هستند. ونگارد هیچ سرمایه‌گذار غیرآمریکایی، جز سهام‌داران، ندارد.

برخی از کارشناسان معتقدند که ساختار ونگارد، مانع تضاد منافع موجود با سایر شرکت‌های مدیریت سرمایه‌گذاری است و واضح است که شرکت‌های مدیریت سرمایه‌گذاری سهامی عام، باید این نیاز سهام‌داران و سرمایه‌گذاران صندوق‌های خود را برآورده کنند.

از سال ۲۰۲۲، ونگارد دارای بیش از هشت تریلیون دلار دارایی تحت مدیریت (AUM)[3] است و پس از بلک‌راک، در رتبهٔ دوم قرار دارد. دفتر مرکزی ونگارد در

---

1. Medium.Com/Coinmonks/The-Vanguard-Group-Inc-2da301f99c58
2. Pitchbook.Com/Profiles/Advisor/40764-97
۳. مخفف Assets Under Management؛ دربارهٔ معنی دقیق این اصطلاح، نظرات مختلفی وجود دارد. در دانش مالی، به آن دسته از دارایی‌هایی گفته می‌شود که یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک یا شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر، از طرف سرمایه‌گذاران اداره می‌کند؛ اما بعضی از مؤسسات مالی در محاسبات خود، دارایی‌های تحت نظر مدیریت را به سپرده‌های بانکی و صندوق‌های سرمایه‌گذارای مشترک و بنگاه‌های پولی

پنسیلوانیای آمریکاست.

این شرکت، بزرگ‌ترین مرکز صدور صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک در جهان و دومین آن برای صندوق‌های متداول قابل معامله در بورس ETF است وتا سال ۲۰۲۲، دارای ۲۰۴ صندوق درایالات متحده و۲۰۶ صندوق در جهان وهمچنین دارای یکی ازبزرگ‌ترین صندوق‌های اوراق قرضه درجهان، به نام «صندوق راهنمای بین‌المللی بوند مارِونگارد»[۱] است.

ونگارد، به ثبات، شفافیت، مخارج کم ومدیریت ریسک خود می‌بالد.[۲] گروه ونگارد را «جَک باگْل»[۳] درسال ۱۹۷۵، براساس دواصل تأسیس کرد، حداکثر تنوع وحداقل هزینه. بعد از۴۷ سال، هنوزهم ساختاربسیاری ازسرمایه‌های آن، حاکی ازاین اصول است.

این شرکت، به‌دلیل کاهش مستمرهزینهٔ خدمات خود وایجاد وجوه جدید برای تناسب سرمایه‌گذاران با همهٔ اهداف وریسک‌ها، شناخته شده است. درحال حاضر، ونگارد بیش از هفت تریلیون دلار دارایی تحت مدیریت یا AUM را مدیریت می‌کند ودرفهرست خود، بیش از۴۱۰ صندوق درسراسر جهان دارد.[۴]

نیز تعمیم داده‌اند؛ درحالی‌که بعضی عقیده دارند که منظور فقط صندوق‌هایی است که سرمایه‌گذاران، مسئولیت آن را به مدیران صندوق سپرده‌اند. ر.ک:

McNeil, Alexander J.; Frey, Rüdiger; Embrechts, Paul (2005). ***Quantitative risk management: concepts, techniques and tools***. Princeton University Press.PP.2-3.

1. Vanguard Total Bond Mar Index Fund (VBTLX); see: https://investor.vanguard.com/investment-products/mutual-funds/profile/vbtlx

2. www.investopedia.Com/Articles/Investing/110515/Who-Are-Owners-Vanguard-Group.

۳. John Clifton Bogle (۱۹۲۹ – ۲۰۱۹)؛ بازرگان و سرمایه‌دار آمریکایی که کتابش با عنوان ***فکر درست دربارهٔ وجوه متقابل: الزامات جدید برای سرمایه‌گذار هوشمند*** (***Common Sense on Mutual Funds: New Imperatives for the Intelligent Investor***)، (۱۹۹۹) در جامعهٔ سرمایه‌گذاری، کتاب پایه محسوب می‌شود.

4. Money.Usnews.Com/Investing/Funds/Slideshows/Best-Vanguard-Funds-

ونگارد، باتوجه به جریانات اخیر بازار، در حال بهبود فناوری مشاورهٔ سرمایه‌گذاری وکاربرروی مدل‌های مجازی وربات‌های مشاور[۱] است.

رقبای ونگارد عبارتند از: «مِریل لینچ»[۲]، «فرانکلین ریسورسز»[۳]، «فیدیلیتی این‌وِست‌مِنْتْس»[۴]، «تِیا»[۵] و«بِلَک‌راک» پیش‌گفته.[۶]

مظاهر و نقش این سه شرکت در تغییر شکل و کنترل جهان

- به گفتهٔ منتقدان، ونگارد، بلک‌راک و استیت استریت، نه‌تنها خود، دارایی‌هایی دارند، بلکه عامل اعمال دستورات (ESG)[۷] نیز هستند؛

To-Buy-And-

۱. Robo – advisors یا Robo – Avisors؛ پلتفرم‌های آنلاینی که مشاورهٔ مالی ارائه می‌دهند؛ یا مدیریت خودکار مجموعهٔ دارایی‌ها را امکان‌پذیر می‌کنند.

۲. Merrill Lynch از سال ۱۹۱۴ تا ۲۰۰۹، یک بانک آمریکایی در نیویورک بود. بعد از آن، به یک شرکت سرمایه‌گذاری تبدیل شد و در نهایت، در سال ۲۰۱۳، در بانک مرکزی آمریکا ادغام شد.

۳. Franklin Resources؛ (Franklin Templeton Investments) که نامش را از «بنجامین فرانکلین» (Benjamin Franklin) (۱۷۰۶– ۱۹۷۰)، دانشمند و سیاست‌مدار آمریکایی، اقتباس کرده است و دفتر مرکزی آن در کالیفرنیاست، در ۱۹۵۴ تأسیس شده و از ۱۹۹۲، خدمات صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد.

۴. Fidelity Investments شرکت خدمات مالی چندملیتی آمریکایی در شهر بوستون ایالت ماساچوست که «ادوارد جانسون» (Edward Johnson) (۱۸۹۸ – ۱۹۸۴) آن را در سال ۱۹۴۶ تأسیس کرد و اکنون، با در اختیار داشتن بیش از بیست میلیون سرمایه‌گذار، سرمایهٔ تحت مدیریت آن، بالغ بر ۱۱/۷ تریلیون دلار آمریکا برآورد می‌گردد.

۵. «تیا» (TIAA) مخفف Teachers Insurance and Annuity Association of America؛ مؤسسه بیمه و سنوات معلمان آمریکا؛ شرکت خدمات مالی و مدیریت سرمایه‌گذاری آمریکایی است که آن را خَیّر معروف آمریکایی، «اندرو کارنگی» (Andrew Carnegie) (۱۸۳۵– ۱۹۱۹)، یک سال قبل از مرگش تأسیس کرد و هم‌اکنون، دارایی تحت مدیریت شرکت‌های زیرمجموعهٔ آن، بالغ بر یک تریلیون دلار برآورد می‌شود. دفتر مرکزی این مؤسسه در منهتن نیویورک قرار دارد.

6. www.wealthmanagement.Com/Companies/Vanguard

۷. مخفف Environmental, Social, And Sorporate Governance به معنی «راهبری زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی»؛ یک برنامه راهبردی، برای ارزیابی میزان فعالیت

این موضوع، آن‌ها را به تهدیدی فزاینده برای دموکراسی سهام‌داران تبدیل می‌کند. براساس گزارش «مورنینگ‌استار»[۱]، پنج گروه بزرگ، ۲۷/۷ تریلیون دلار از دارایی مشتریان را در سراسر جهان و بیش از ۳۴ تریلیون دلار را در آمریکا مدیریت می‌کنند؛ همچنین، تنها در سهام ایالات متحده، ۱۵/۰۷ تریلیون دلار، معادل ۶۱/۸۹ درصد از کل دارایی‌های موجود در صندوق‌های سهام ایالات متحده، تحت مدیریت آن‌هاست.

باز طبق گزارش مورنینگ‌استار، ونگارد، ۷/۹ تریلیون دلار، بلک‌راک، ۹/۵ تریلیون دلار و SSGA[۲]، ۳/۹ تریلیون دلار را در سطح جهان در مدیریت خود دارند؛ همچنین، در صندوق‌های سهام ایالات متحده، ونگار، ۶/۸ تریلیون دلار، بلک‌راک، ۲/۶۵ تریلیون دلار و SSGA، ۹۷۰ میلیارد دلار را مدیریت می‌کنند!

- امروزه ونگارد، بلک‌راک و SSGA، به‌تنهایی، حداقل ۴۳/۴۷ درصد از دارایی‌های صنعت صندوق داخلی را در شرکت‌های بورسی ایالات متحده کنترل می‌کنند و طبق گزارش مورنینگ‌استار، بالاترین

یک شرکت، براساس این اهداف سه‌گانه: مسائل حاکمیتی، نظیر قوانین و مقررات حکومتی، فساد سازمانی و ایجاد تعارض منافع؛ مسائل محیط زیستی، مانند استفادهٔ نامتعارف از منابع طبیعی و آلودگی؛ مسائل اجتماعی، مثل نقض حقوق کارگران، ارتباطات ناکارآمد با مشتریان و نقض استانداردهای کاری.

۱. Morningstar یکی از شرکت‌های خدمات مالی آمریکایی است که در زمینهٔ مدیریت سرمایه‌گذاری، مدیریت دارایی و مطالعات بازار فعالیت می‌کند. این شرکت را «جو مانسوتو» (Joe Mansueto) (زادهٔ ۱۹۵۶) در سال ۱۹۸۴ تأسیس کرد و هم‌اکنون، دارایی تحت مدیریت آن بالغ بر ۲۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. دفتر مرکزی شرکت مورنینگ‌استار، در شهر شیکاگو قرار دارد. این شرکت نرم‌افزار و پلتفرم‌هایی از اطلاعات را برای متخصصان سرمایه‌گذاری فراهم کرده است؛ مثل: Morningstar Direct، Morningstar Research Portal و Morningstar Advisor Workstation.

۲. مخفف State Street Global Advisors از شرکت‌های اقماری استیت استریت که در سال ۱۹۷۸ تأسیس شد.